

جلسه ۲۲ (قاعده اعانه -- مکاسب)

- ۲..... قاعده اعانه بر اثم:
- ۲..... تقسیمات مقدمات:
- ۲..... تقسیم دوم:
- ۲..... تقسیم سوم:
- ۳..... تقسیم چهارم:
- ۳..... تقسیم پنجم:
- ۳..... تقسیم ششم:
- ۳..... تقسیم هفتم:
- ۴..... احتمالات تقسیم:
- ۴..... احتمالات در تقسیم اول:
- ۴..... احتمالات در تقسیم دوم:
- ۵..... احتمالات در تقسیم سوم:
- ۵..... احتمالات در تقسیم چهارم:

## قاعده اعانه بر اثم:

بحث ششم این بود که اگر گفتیم که تعاون بر برّ و تقوی و تعاون بر اثم و عدوان شامل تمهید مقدمات و اعانه بر مقدمات می شود، تقسیماتی در این مقدمات وجود دارد که باید تکلیف آنها را از حیث شمول اعانه نسبت به آنها مشخص کرد.

### تقسیمات مقدمات:

۱. این است که مقدمات، گاهی مقدمات خارجی است و فراهم کردن زمینه های عینی و عملی خارجی است برای شخصی که خودش اراده و داعی دارد، دیگری می آید مقدمات عمل نیک را برای او فراهم می کند و یا اراده عمل بد و اثم و عدوان را دارد، کسی می آید مقدمات را به او می دهد.
۲. گاهی مقدمه سازی از باب ایجاد داعی است، کاری می کند که این شخص داعی به خیرات کند با وعظ و نصیحت و موعظه و امر و اینها و مجموعه روشهایی که به لحاظ تربیتی مؤثر است در اینکه کسی برانگیخته شود به خیرات.

### تقسیم دوم:

این است که مقدمات از نظر زمانی گاهی بعیده عن الفعل است، گاهی قریبه الی الفعل است.

### تقسیم سوم:

هم این است که ایجاد مقدمات و تمهید مقدمات، گاهی بلاواسطه است، گاهی مع الواسطه.

### تقسیم چهارم:

این است که گاهی تمهید مقدمات وجودی است، یعنی در خانه را به او باز می کند برای اینکه وارد خانه شود، برای اینکه برود دزدی کند، چاقو به دستش می دهد، اینها کار عملی و ایجابی است، ولی گاهی مقدمات عدمی است، یعنی با انجام ندادن او دیگری کار خوب یا کار بد را انجام می دهد، او می تواند، او را از این کار باز دارد، با عدم فعل خودش زمینه گناه را فراهم کرده.

### تقسیم پنجم:

این است که تمهید مقدمات گاهی با علم به صدور ذی المقدمه است، گاهی با عدم علم است. مثلاً چاقو را که می دهد به کسی، گاهی علم دارد به اینکه او با چاقو می خواهد کسی را بکشد، گاهی هم علم ندارد احتمال می دهد که این کار انجام شود. آنجایی که نمی داند اقسامی دارد، یک وقتی غفلت کلی است، اصلاً به این موضوع توجه ندارد که ممکن است این در گناه استفاده شود. گاهی توجه دارد ولی احتمال ضعیف می دهد، گاهی هم احتمال قوی تری می دهد، روی درجات احتمالی که وجود دارد. علمی که اینجا می گوئیم، یعنی اطمینان، از اطمینان به پایین تر همه حالات می آید، روی قسم دوم گاهی اطمینان دارد و علم دارد به اینکه با این کار او آن شخص با این ابزاری که دستش بوده گناه انجام می دهد، ولی گاهی این علم را ندارد یا غافل است یا ظنی دارد یا احتمال قوی می دهد یا احتمال ضعیفی می دهد، آن خیلی فرق نمی کند.

### تقسیم ششم:

هم این است که تمهید مقدمات گاهی با قصد توسل به حرام است، گاهی بدون قصد توسل به حرام است، مقدمات را که کسی فراهم می کند، گاهی می داند که بناست او این گناه را انجام دهد و اصلاً به همین قصد هم دارد می دهد، انگیزه اش همین است. گاهی هم این قصد را ندارد، حتی ممکن است علم داشته باشد می داند این کار می شود، ولی او واقعا اینطور نیست که بخواهد این کار بشود، حتی اگر راهی داشت می خواهد جلوی آن را بگیرد، می داند ولی قصد ندارد.

### تقسیم هفتم:

این است که مقدمه ای را که فراهم می کند برای فعل معصیت، گاهی مقدمه انحصاری است، به حیثی که اگر او این کار را انجام ندهد کس دیگری این مقدمه را در اختیار او نمی گذارد، مرحوم آقای تبریزی به این نکته توجه دارند دیگران هم دارند ایشان می گفتند حکم عقل مال اینجاست که اگر او بدهد این چاقو را یا این سویچ را بدهد این دزدی انجام می شود این قتل انجام می شود و اگر او ندهد انجام نمی شود. اما گاهی هم نه همان مثالی که آقای تبریزی دارند در کتب فقهی هم آمده این شخص بناست این قتل را انجام بدهد با وسیله ای که شما دارید به

او می دهید، عیبی ندارد، نشد صد مغازه است می رود از آن می خرد، انحصاری ندارد که این کاری که شما دارید می کنید دیگران هم هم هستند می رود از یک جای دیگری تهیه می کند. پس مقدمه هم گاهی انحصاری است، گاهی هم غیر انحصاری.

## احتمالات تقسیم:

در این هفت تقسیم در باب اعانه که سه، چهار تقسیم در باب فقها مطرح است، در هر یک از اینها دو احتمال متصور است.

## احتمالات در تقسیم اول:

ممکن است بگوییم که اعانه یعنی همان مقدمات خارجی فقط، همان که قبلاً هم ما بیشتر ایجاد داعی را در مقابل آن قرار می دادیم، ولی ممکن است کسی هم بگوید که احتمال دارد در همان قسم اول بگوید اعانه عام و شامل ایجاد داعی را، اینکه کسی بیاید انسانی که انگیزه گناه ندارد، برای او قصه بسراید، داستان بگوید، فیلم نشان بدهد تا اینکه او انگیزه گناه پیدا کند، انگیزه که می گوئیم آگاهی به گناه پیدا کند، راه گناه را یاد بگیرد، یا انگیزه گناه پیدا کند، ظاهر کلمات فقها این است که اعانه یعنی همان اعطای مقدمات، اما اینکه ایجاد داعی می کند و اینها در کلمات مطرح نیست، اینجا کسی متعرض این مسأله نشده، این یک بحث در آن تقسیم اول است، بعید نیست که بگوییم اعانه در مفهوم عرفیش عام است، اعانه بر معصیت، یا اعانه بر برّ و تقوی و اطاعت هر سه قسم بنابر یک تعبیر، یا دو قسم بنابر تعبیر دیگر همه آنها را می گیرد. پس در موضوع اول دو احتمال وجود دارد که اعانه بمعنی الخاص باشد، یا اینکه اعانه بمعنی العام باشد که شامل شود به اعداد المقدمات الخارجیه و ایجاد الداعی و تعلیم الغیر همه اینها را بگیرد اینها همه اعانه است.

## احتمالات در تقسیم دوم:

مقدمات بعیده و قریبه یعنی از نظر زمانی مقدمه ای که امروز به او می دهد و همین الان انجام می شود، گناه این را همه قبول دارند که اعانه است، ولی اگر مقدمات فاصله بگیرد از نظر زمانی اعطاء مقدمه تا فعل او یک سال دو سال فرایند طولانی زمانی قرار گیرد، این ربما يقال به اینکه اعانه ای را شامل نمی شود. گفته شده که این مقدمه وقتی فاصله دارد از نظر عرفی صدق اعانه نمی کند، یا اینکه اگر صدق اعانه کند، لا تعاونوا حکم از این منصرف می شود، این دو دلیلی است که برای خروج مقدمات بعیده از آیه آورده شده. هیچ کدام از این دو دلیل به نظر می آید درست نیست، نه مفهوماً اختصاص دارد به مقدمات قریبه، نه می شود بگوییم خطاب در اینجا انصراف دارد به آن نه هر دو را می گیرد تعاون بر اثم در فاصله زمانی کم یا زیاد.

## احتمالات در تقسیم سوم:

این است که مقدمه گاهی با واسطه است، گاهی بلاواسطه، در اینجا هم باز دو احتمال وجود دارد: ربما يقال به اینکه اعانه اختصاص دارد به آنجایی که بدون واسطه باشد، یا با وسائط محدودی باشد، اما اگر با وسائط متعدده ای باشد، یک زنجیره به هم پیوسته طولانی باشد، این دیگر اینها را نمی گیرد، این یک احتمال است که اعانه شامل آن کارهای اعداد مقدمات با وسائط کثیره نمی شود، بلکه اعانه مفهوماً مختص به بلا واسطه یا با وسائط محدود و قلیل و معدود. و یک احتمال هم این است که بگوییم اعانه عام است همه اینها را می گیرد، این هم باز دلیل برای اختصاصش به بلاواسطه و وسائط قلیله و معدوده، یکی از آن دو وجه قبلی است، یکی اینکه مفهوم اعانه صدق نمی کند، یکی اینکه بگوییم نه لغتاً و وضعاً مفهوم صدق می کند، ولی در این خطاب انصراف دارد از آن وسائط بعیده، دلیلش هم این است که اگر بخواهیم وسائط بعیده را بگیرد یا مقدمات مع الواسطه را بگیرد و لو با وسائط عدیده، اوضاع مختل می شود. این هم به نظر ما هیچ کدام وجه درست نیست، مختل هم نمی شود به دلیلی که بعد توضیح خواهیم داد.

اینجا هم به نظر می آید هیچ کدام از این دو وجه تام نیست و باید باز بگوییم اعانه عام است.

## احتمالات در تقسیم چهارم:

تقسیم چهارم مقدمات وجودی و عدمی بود، اعانه به برّ و تقوی، یا به اثم و عدوان یک بار کاری می کنید که او این کار را انجام دهد، یک وقتی با کار نکردن شما او قادر به انجام این کار می شود، یعنی یک وقتی ایجاد اعداد مقدمات و اینها است، یک وقتی عدم رفع مانع است، عدم ایجاد مانع می تواند مانع برای تخلف او ایجاد کند. این اعانه که می گوییم باید کاری انجام دهد، باید اقدامی کند، ظهورش مفهوماً یا انصرافاً در فعل وجودی است، عملیات اقدام است و الاً اگر ترک باشد صدق نمی کند، اما نه ممکن است بگوییم که آن را هم می گیرد، برای اینکه ترک هم وقتی با توجه شد، این عدم ملکه است، له حدث من الوجود و عرفاً به او اعانه صدق می کند، یعنی می گوید نوعی کمک کرد به این که این گناه انجام شود، با سکوت خود کمک کرد که این مال در دست او باقی بماند، با تنبلی خود کمک کرد که این خانه سرقت شود، البته ما آنجایی که با توجه باشد می گوییم، چون اگر توجه نباشد که آن عدم محض است، بعید است اعانه بر آن صدق شود. بعید نیست که بگوییم شمول دارد گر چه به وضوح آن موارد قبل نیست.